

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Martyrs

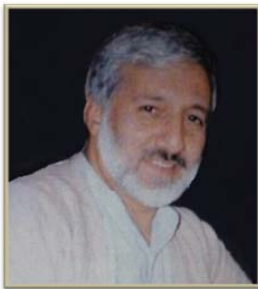
جانبازان

فریدون کاوه و پاینده پایمرد

۲۸ جنوری ۲۰۲۴

«قیوم رهبر» الگوی آگاهی و عمل است و اندیشه اش رهنمود راه رهائی ستمکشان!

به مناسبت سی و چهارمین سالگرد جاودانگی رهبر جانباز انقلابی زنده یاد «قیوم رهبر»



دانشمند انقلابی زنده یاد پروفیسر "قیوم رهبر"، رهبر داهی سازمان آزادیبخش مردم افغانستان "ساما" و رئیس "جبهه متحد ملی افغانستان"، یکی از شاخص ترین مشعلداران امر رهائی ملی و اجتماعی خلق ستمکش کشور ما بود. "رهبر" برای به دوش کشیدن درفش آزادی کشور اشغال شده و خلق به پا خاسته آن، آگاهانه و رسالتمندانه با فهم این حقیقت که "قبول رنج و خطر در ره مراد خوش است" و "راه عشق تکاپوی بی امان دارد"، حریم دانشگاه را به مقصد رزمگاه ترک گفته و حین

طلایه داری جنگ مقاومت ملی مردم افغانستان علیه اشغالگران روسی و مزدوران بومی میهن فروش شان همزمان با برشمردن خطرات تحمیل سیاست های استعماری - ارتجاعی بر مقدرات حال و آتیه آن جنگ کبیر میهنی و هشدار پیرامون تبنانی و ترور استعماری - ارتجاعی، توسط ارتجاع هار خزیده در صف مقاومت و به دستور مراجع استخباراتی امپریالیستی - ارتجاعی، جاودانه شد.

زنده یاد "مجید" بانی سازمان آزادیبخش مردم افغانستان (ساما) در گستره ملی و در سطح جنبش انقلابی افغانستان به مثابه نماد و ممتل وحدت ملی خلق و وحدت جنبش انقلابی کشور شناخته می شود و ماحصل کارش، وحدت اکثریت آحاد جنبش انقلابی با محوریت این شخصیت بی بدیل انقلابی و آزادیخواه در وجود "ساما" و انسجام ملی در نهاد "جبهه متحد ملی افغانستان" بود. اما، زنده یاد "قیوم رهبر" به مثابه شخصیت منحصر به فردی که در آن مقطع زمانی کلیه برانزنگی ها و ویژگی های یک رهبر زبده انقلابی و آزادیخواه را در خود داشت، در برهه زمانی خطیری سکان کشتی طوفان زده "ساما" را به دست گرفت. در آنزمان، "قیوم رهبر" و همزمانش پس از تصفیة حساب با دو انحراف راست، یکی لیبرالیسم و بر بستر آن، انحراف دیگر تسلیم طلبی ملی و با بازسازی این سازمان حول خط برنامه مطروحه آن، برای یک دهه "ساما" را در بحر موج جنگ آزادیبخش ملی از موضع مترقی به طور داهیانه رهبری کرده و در فرجام، خود به سان برادر همزم و همسرنوشتش زنده یاد "مجید"، حین رهنوردی و طلایه داری در مسیرت انقلابی و آزادیخواهی، به جاودانگی پیوست.

این تئورسین مبرز و عمل ورز انقلابی و آزادیخواه بنیان های محکم و استوار تئوریک - سیاسی را در مبارزه ضد استعماری - ضد ارتجاعی خلق آزادیخواه و ترقی پسند افغانستان ترسیم کرده و گنجینه آثار گرانبهای را به همزمان و مبارزان راه آزادی ملی، دموکراسی مردمی، ترقی و عدالت اجتماعی کشور ما بر جای گذاشته است. از منظر ایدئولوژیک - سیاسی، مبارزه تئوریک زنده یاد "رهبر" علیه سوسیال امپریالیسم، امپریالیسم، ارتجاع و گذشت منحرفان به نفع استعمار - ارتجاع (تسلیم طلبی ملی و طبقاتی)، در جنب سائر خدمات ارزنده اش به امر انقلابی و رهایی توده های تحت ستم، بزرگ ترین خدمت و دستاورد مبارزاتی این شخصیت استوار انقلابی و آزادیخواه در عرصه جنگ آزادیبخش ملی علیه تجاوز سوسیال امپریالیستی / امپریالیستی در گستره جامعه و جنبش انقلابی کشور محسوب می شود که در ذاتش در سطح کشور و منطقه بی بدیل است. هر دو "رهبر" و "ساما" در مرکز پیکار با گذشت تاریخی منادیان تسلیم و سجد به سود استعمار - ارتجاع و به زیان منافع ملی و تاریخی مردم افغانستان و انحراف راست آنان از مسیر انقلاب و آزادی، قرار داشته اند.

ارثیه گرانسنگ تئوریک این شخصیت شاخص انقلابی، برای همزمان ادامه دهنده راه پیشگامان انقلابی در بسا از عرصه های فعالیت انقلابی، به ویژه در مبارزه علیه امپریالیسم، ارتجاع و گذشت رهبری قبلی و مطرود "ساما" و رهبری برخی گروه های جنبش انقلابی کشور به نفع استعمار - ارتجاع، رهنمود روشن و مبنای محکمی بود که همزمان "قیوم رهبر" توانستند در دوران اشغال کشور توسط امپریالیست های متجاوز امریکا - ناتو به اتکای آن علیه این دو انحراف ایدئولوژیک - سیاسی منحرفان از جاده انقلاب و آزادیخواهی و تسلیم شده به امپریالیسم اشغالگر و قاتل خلق ما، رزمیده و با امتداد و انطباق آن مینا های تئوریک ترسیم شده توسط "رهبر"، در پیکار جاری در جامعه و جنبش انقلابی کشور، بر غنای آن بیفزایند. (تا جایی که ما اطلاع داریم، شرح مفصل ادامه مبارزات همزمان استوار و راستین زنده یاد "رهبر" در نبرد با اپورتونیسم، تسلیم طلبی و خیانت به معبد سجد رفتگان، در نوشته تحلیلی مفصلی معنون به **"تداوم انقیاد، تسلیم طلبی و خیانت" اعلامیه ویژه "نویسان تحت نام و آرم «ساما»**" نشر و بیان شده است).

با این ویژگی های براننده شخصیتی، هم خود "رهبر" و هم این فعالیت ها و سازمان انقلابی تحت رهبری اش برای هر دو بلاک امپریالیستی و سوسیال امپریالیستی در حال تبنانی در اواخر دهه هشتاد و اوائل دهه نود قرن بیستم "نامطلوب" تشخیص شده و زمینه ساز ترور "رهبر" در شامگاه تیره هفتم دلو ۱۳۶۸ شمسی در حیات آباد شهر پیشاور پاکستان، شد.

با حلول هفتم دلو / ۲۷ جنوری سال روان، سی و چهار سال از آن شامگاه تیره جاودانه شدن "رهبر" به دست جلادان و تبر به دستان پرورده در مراکز تروریست پروری استعماری - ارتجاعی می گذرد. طی این ۳۴ سال آزرگار هنوز هم عطش خون مراکز توطئه و تفتین این دشمنان سوگند خورده و شناخته شده خلق ما از نوشیدن خون ستمکشان افغانستان سیراب نشده است؛ دو سال و نیم است که فاشیسم تئوکراتیک گروه مزدور، خون آشام و جنایتکار طالبی با پشتوانه همین مراکز شناخته شده امپریالیستی - ارتجاعی بر دوش زنان و مردان تحت ستم کشور تحمیل و از لحاظ اقتصادی، سیاسی، نظامی و استخباراتی تمویل و حمایت شده؛ افغانستان به زندان مردم بیکار، فقیر و اسیر آن مبدل و جانیان طالبی در نقش زندانبانان آن گماشته شده اند؛ و ستم چند لایه طبقاتی، امپریالیستی، جنسیتی و قومی (شوونیسم) از کانال امارت طالبی بر مردم ستمدیده افغانستان اعمال می شود که ظاهراً پایانی برای این وضعیت ابتر و غم انگیز جاری و این سلطه طبقاتی تراز فاشیستی ارتجاع خودفروخته طالبانی و سلطه نواستعماری امپریالیستی - ارتجاعی بیرونی بر کشور و مردم دربند افغانستان، متصور نیست.

اوضاع کلی منطقه از اوکراین در قلب اورآسیا گرفته تا فلسطین اشغالی و قلب خونین آن "غزه" در شرق میانه و قسمت های غربی جنوب آسیا، نیز ملتهب و تبار است. منطقه وسیع شرق میانه به میدان رقابت و کانون داغ زور آزمائی و جنگ نیابتی بازیگران ریز و درشت منطقه ئی و فرامنطقه ئی مبدل شده است. خلق اوکراین قربانی جنگ ارتجاعی اشغالگرانه و رقابتی امپریالیستی است. در فلسطین جنایات هولناک رژیم جنایتکار غاصب و اشغالگر صهیونیستی حاکم بر اسرائیل در جلو چشمان جهانیان و به یمن حمایت همه جانبه دول امپریالیستی و محافل صهیونیستی و سکوت و بی تفاوتی دول ارتجاعی غربی در تلاش برای محو یک ملت مقاوم و سلحشور از روی زمین و زدودن نام تاریخی فلسطین است. در حالی که فقر و تورم به سویه جهانی بیداد می کند و توده های محتاج و حرمان زده کشور ها در بحر فقر فراگیر غوطه ور اند و فاقگی می کشند، در همجواری ما دولت های مرتجع، ستمگر و توسعه جوی ایران و پاکستان مثل سائر دولت های امپریالیستی و ارتجاعی، با وجود بحران زدگی، نرخ بالای بیکاری، فقر فراگیر، مشکلات اقلیمی و اعتراض های گسترده اجتماعی، منابع را در خدمت "نظامی ساختن اقتصاد" و صرف قسمت اعظم بودجه ملی در مجاری پرخرج نظامی - استخباراتی و تشنج افزائی و تقابل ارتجاعی و توسعه طلبانه قرار می دهند که از دو جهت به زیان زحمتکشان هر دو کشور است. این است بیان فشرده وضعیت جاری افغانستان، منطقه و جهان در تحت سیطره امپریالیسم و ارتجاع جهانی.

اما این وضعیت پایدار نیست. منطق پیشرو تاریخی (تقابل ستم و مقاومت)، در ورای اوج قوت و قدرت یک پدیده، ضعف و قوت آن را مشاهده می کند و در افغانستان مثل هر کجای دیگر، پایانی به این سلطه دوگانه طبقاتی طالبانی و سلطه نواستعماری قدرت های امپریالیستی می بیند. لذا، طبق منطق تاریخ، پایان ستم و بنای دنیای نوینی که به قول جاویدان یاد "قیوم رهبر" در آن "نه از ماجراجویی های استعماری خبری باشد"، نه از تاراج منابع کشور و نیروی کار (فقر و احتیاج) و نه از تخریب محیط زیست؛ نه جایگاهی به دلال استعمار تا "رسالت متمدن سازی" او را بگستراند؛ نه مجالی به دلالان قراردادی طالبان و بال گستری فاشیسم مذهبی قرون وسطائی و تاراجگری آنان و کلیه شمائل ارتجاع در آن سراغ شود، و "انسان حاکم تاریخ گردد"، دیر یا زود فرارسیدنی است.

آزمون تاریخی طی چهار و نیم دهه اخیر بطلان و رسوائی عالمگیر کلیه بدائل استعماری - ارتجاعی را در افغانستان اعلام داشته و توأم با آن، ظرفیت محدود و بی عرضگی تاریخی نیرو های ارتجاعی و هکذا پوشالی بودن، ورشکستگی و خیانت روشنفکر نمایان انقیاد طلب و ضد انقلابی را در معرض دید همگان قرار داده است.

در چنین اوضاعی، رهائی ملی و اجتماعی خلق زحمتکش و تحت ستم ما شامل زنان و مردان بی حقوق و مظلوم آن از زیر سلطه تراز فاشیستی تنوکراتیک گروه مزدور، خون آشام و جنایتکار طالبی، بدائل محتمل ارتجاعی آن و سلطه نواستعماری قدرت های طماع و متجاوز امپریالیستی - ارتجاعی بیرونی به سوی تحقق گام نخست رهائی همه جانبه (آزادی ملی، دموکراسی مردمی، ترقی و عدالت اجتماعی) به زیر درفش مبارزاتی اندیشه ای که مجید، قیوم رهبر، سرمد، جرات، قدوس، بهمن، تیمور، میرویس، رضا، پویا، پردل، قاضی ضیاء، سرور، عمار، بهرنگی، عادل، داوود، منگل، لاله کو، معلم کرام و صد ها سرو آزاده انقلابی سامانی و غیر سامانی کشور به آن تعهد آگاهانه داشتند، از مسیرتی می گذرد که این جاودانگان انقلابی همراه با هزاران مبارز آزادیخواه توده ئی آن جاده ناهموار انقلاب و آزادیخواهی را با خون سرخ شان رنگین کردند.

به فرجام پیروزی رساندن چنین مبارزه ای، نیازمند کار و ایثار چندین نسل و عبور از موانع عدیده و هموار کردن راه دشوار گذر فراوری راهیان راه پر از فراز و فرود است. با هر فراز و فرودی، وظایفی جای وظایف قبلی را می گیرد و یا تکالیف ناتمام به سوی تحقق اهداف ادامه می یابد.

در حالت فتور و جذر جنبش انقلابی و جنبش ملی - دموکراتیک کشور در فرود جاری، سر و سامان بخشی مجدد به ظرفیت های ضربت خورده و متشتت تشکل های انقلابی؛ ارزش سنجی تجارب گذشته و برخورد انتقادی به مواریت مشترک مبارزاتی در عرصه اندیشه، سیاست، تشکیلات و عمل؛ مبنا قرار دادن انطباقی شالوده های ارزشی در پیوند با اوضاع جاری ملی و بین المللی؛ خودسازی و ایجاد پیشاهنگ انقلابی؛ طرد کلیه اشکال انحراف و خیانت؛ جذب خون تازه در رگ های مبارزه و پیوند یابی با توده ها برای آگاهی بخشی، انسجام و بسیج آنان؛ طرح و اشاعه مطالبات دموکراتیک توده های بیکار تحت ستم، استثمار و تبعیض؛ تداوم و تکامل رسانه های مستقل ملی، دموکراتیک و مترقی؛ مبارزه علیه سیاست اپارتاید جنسیتی "امارت اسلامی" طالبان علیه زنان و دفاع از حقوق و مبارزه بحق آنان؛ افشاء و برجسته سازی سرشت مشترک ارتجاعی و پیوند تاریخی میان مخلوق طالبانی با خالق امپریالیستی و ارتجاع منطقه و...، از اهم وظایف تخطی ناپذیر جاری انقلابیون و مبارزان ملی - دموکرات کشور اند.

پرداختن کلی و یا قسمی به این وظایف در حد توان و امکان هر فرد و تشکل مدعی مبارزه انقلابی و تلاش جمعی و فردی برای سیر از کثرت به سوی وحدت، هم یگانه معیار عملی جدیت و صداقت داعیه داران است و هم بهترین گرامیداشت از پیشگامان و جانبازان جاودانه انقلابی و آزادیخواه کشور.

گرامی باد یاد و آرمان انقلابی زنده یاد "رهبر"!

مرگ بر طالب و کلیه شمائل ارتجاع، انحراف و امپریالیسم!

فاشیسم طالبانی رخ دیگر سکه دموکراسی اهدائی امپریالیسم است!

نان، کار، آزادی برای توده ها!

یا مرگ یا آزادی!